

برنامه ما عمل است نه سخن!

امام علی(ع) در توصیف حرکات طلحه و زبیر می فرمایند: در آغاز رعد و برقی نشان دادند اما پایانش چیزی جز سستی و ناتوانی نبود، ولی روش ما به عکس آنها بود، ما تا کاری انجام ندهیم رعد و برقی نداریم و تا نباریم سیلاب های خروشان به راه نمی اندازیم، برنامه ما عمل است نه سخن!



برنامه ما عمل است نه سخن! / ناکثین به مثابه کف های روی آب

امام علی(ع) در توصیف حرکات طلحه و زبیر می فرمایند: در آغاز رعد و برقی نشان دادند اما پایانش چیزی جز سستی و ناتوانی نبود، ولی روش ما به عکس آنها بود، ما تا کاری انجام ندهیم رعد و برقی نداریم و تا نباریم سیلاب های خروشان به راه نمی اندازیم، برنامه ما عمل است نه سخن!

در بخش های قبلی این نوشتار آمده بود که طلحه و زبیر با امیرالمؤمنین(ع) بیعت کرده بودند، سپس با دغل بازی های معاویه، از ایشان رویگردان شده و جنگ جمل را برپا کردند. در خطبه هشتم نهج البلاغه امام خطاب به زبیر می فرمایند: «باید دلیل روشنی اقامه کند.«

امام(ع) پس از بیعت مردم، نامه ای به معاویه نوشت و دستور بیعت او و اهل شام را صادر فرمود. معاویه به زبیر نامه ای نوشت که از مردم شام برای او و پس از او برای طلحه بیعت گرفته و باید سعی کنند حکومت بصره و کوفه را در اختیار بگیرند، طلحه و زبیر از امام(ع) تقاضای حکومت بصره و کوفه را نمودند، اما امام در پاسخ فرمود: حکومت را به کسی می دهم که به دین و امانتش مطمئن باشم، اما درباره شما فکر می کنم.

سپس امام(ع) با مغیره و ابن عباس در این مورد مشورت کرد، مغیره موافق و ابن عباس مخالف بود، امام گفته ابن عباس را پذیرفت، طلحه و زبیر پس از یأس از حکومت، اجازه انجام «عمره« را خواستند، اما امام یادآور شد که آنها تصمیم بر نقض بیعت دارند، آنها انکار این قصد را کردند و با قسم های خود بیعت را تجدید کردند، اما پس از بیرون رفتن از مدینه گفتند: بیعت ما اکراهی بوده است!

در ادامه خطبه امام می افزایند: «زبیر خیال می کند که بیعتش تنها با دست بوده نه با دل!، پس او اقرار به بیعت می کند، ولی مدعی است که با قلب نبوده است، بنابراین بر او لازم است، بر این ادعا دلیل روشنی بیاورد و گرنه باید به بیعت خود باز گردد و به آن وفادار باشد.«

در خطبه نهم نهج البلاغه از جمله سخنان دیگر امام(ع) است که در آن موقعیت خود و دشمنان را توصیف کرده است که گفته می شود منظور مخالفان جنگ جمل هستند. آن حضرت(ع) می فرمایند: (طلحه و زبیر و پیروان آنها) در آغاز رعد و برقی نشان دادند اما پایانش چیزی جز سستی و ناتوانی نبود، ولی روش ما بعکس آنها بود، ما تا کاری انجام ندهیم رعد و برقی نداریم و تا نباریم سیلاب های خروشان به راه نمی اندازیم، برنامه ما عمل است نه سخن!

این سخن امام (ع) اشاره به این است که افراد ترسو و ناتوان همیشه از حربه ارباب، تهدید و جنجال و سر و صدا استفاده می کنند، اما مردان قوی و نیرومند و با حقیقت، همیشه آرام و ساکتند تا اینکه هنگام عمل ضربه خود را وارد سازند، این دو دسته به کف های پرجوش و خروش دریا و آب های آرام آن می مانند.

امام علی(ع) در این سخنان روانشناسی ناکثین را به خوبی بیان فرمودند و شعارگرایی آنان را توضیح دادند و نسبت به شخص زبیر، که یکی از سران ناکثین بود و فکر می کرد می شود بیعت با امام علی(ع) را شکست، حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) افشاگرانه فرمود:

«بِرَعْمُ آتَهُ قَدْ بَايَعَ بِيَدِهِ، وَلَمْ يُبَايِعْ بِقَلْبِهِ، فَقَدْ آءَ قَرَّ بِالْبَيْعَةِ، وَادَّعَى الْوَلِيَّجَةَ. فَلْيَأْتِ عَلَيْهَا بِأَمْرٍ يُعْرَفُ، وَإِلَّا فَلْيَدْخُلْ فِيمَا حَرَجَ مِنْهُ: زَبِيرٌ خِيَالٌ مِي كُنْدَ كِه بِيَعْتَش تَنَهَا بَا دَسْت بُوْدَه نَه بَا دَل!، پَس او اقرار به بيعت می کند، ولی مدعی است که با قلب نبوده است، بنابراین بر اولازم است، بر این ادعا دلیل روشنی بیاورد وگرنه باید به بيعت خود باز گردد و به آن وفادار باشد.»

امام علی علیه السلام برای آگاهی مردم نسبت به ادعاهای پوچ ناکثین، در سخنرانی های گوناگونی افشاگرانه علل انحراف آنان را توضیح دادند و بهانه های دروغین طلحه و زبیر را پاسخ فرمودند و سوابق تاریخی آنان و شرکتشان را در قتل خلیفه سوم و تلاش آنها را در روز بيعت یک یک برشمردند، زیرا ناکثین شهر بصره را در اختیار گرفته بودند و شورش کردند و بنابراین امت اسلامی باید با بصیرت و آگاهی به جنگ آنان برود که آغاز نبرد در جبهه داخلی بود.

امام علی(ع) در یک سخنرانی افشاگرانه ابتدا مردم را نسبت به اخبار سیاسی کشور توجیه کردند و سپس ادعاهای باطل ناکثین را جواب دادند، و فرمودند: «إِنَّا وَاللَّهِ مَا أَتَيْنَا عَلَى مُنْكَرٍ، وَلَا جَعَلْنَا بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ نَصِيفًا. وَإِنَّهُمْ لَيَطْلُبُونَ حَقًّا هُمْ تَرَكُوهُ، وَدَمًا هُمْ سَقَّوْهُ: فَلَيْتَ كُنْتُ شَرِيكُهُمْ فِيهِ فَإِنَّ لَهُمْ لَتَصِيْبُهُمْ مِنْهُ، وَلَيْتَ كَانُوا وَلَوْهُ دُونِي، فَمَا التَّيْعَةُ إِلَّا عِنْدَهُمْ. وَإِنَّ أَعْظَمَ حُجَّتِهِمْ لَعَلَى أَنْفُسِهِمْ، يَرْتَضِعُونَ أُمَّمًا قَدْ فَطَمَتْ وَيُحْيُونَ بِدْعَةً قَدْ أُمِّيتَتْ. يَا حَيِّيَّةَ الدَّاعِي! مَنْ دَعَا! وَإِلَّامٌ أَجِيبَ! وَإِنِّي لَرَاضٍ بِحُجَّةِ اللَّهِ عَلَى هُمْ وَعَلِمِهِ فِيهِمْ»

ترجمه عبارت فوق عبارت است از: «آگاه باشید! شیطان حزب و طرفداران خویش را بسیج کرده و سپاه خود را گرد آورده است تا بار دیگر ستم را به جایش برگرداند، و باطل را به جایگاه نخستینش باز فرستد. به خدا سوگند آنها هیچ منکری از من سراغ ندارند، انصاف را بین من و خود حاکم نساختند. آنها حقی را مطالبه می کنند که خود آن را ترک گفته اند. انتقام خونی را می خواهند که خود ریخته اند، اگر در ریختن این خون شریکشان بوده ام پس آنها نیز سهیمند و اگر تنها خودشان مرتکب شده اند کیفر مخصوص آنهاست. مهم ترین دلیل آنان به زیان خودشان تمام می شود، از پستانی شیر می خواهند که مدتهاست خشکیده، بدعتی را زنده می کنند که زمانهاست از بین رفته، چه دعوت کننده ای؟! و چه اجابت کنندگانی؟! من به کتاب خدا و فرمانش درباره آنها راضیم.»